

موضوع: نقد و بررسی کتاب نهاية الحكمة

استاد: حضرت آیت الله سیّدان

مورخ: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲

جلسه: بیست و دوم

* * *

بسم الله الرحمن الرحيم

الفصل الثالث في أن الوجود حقيقة مشككة

لا ريب أن الهويات العينية الخارجية- تتصف بالكثرة تارة- من جهة أن هذا إنسان و ذاك فرس و ذلك شجر و نحو ذلك- و تارة بأن هذا بالفعل و ذاك بالقوة- و هذا واحد و ذاك كثير و هذا حادث و ذاك قديم- و هذا ممكن و ذاك واجب و هكذا!

❖ مقدمه:

پس از انتخاب اصالت وجود توسط مؤلف، بیان شد که در خارج کثرات بدیهی هستند و تردیدی در این تکرر نیست. ما در موجودات تکرر را می‌یابیم، اما آیا این موجودات و وجودات حقیقتاً متکثراند و به تمام ذات متباین هستند؟ یا در عین تکرر، جهت وحدتی دارند و متباین نیستند؟ یعنی این تکرراتی که می‌بینیم به اعتبار آن مراتبی است که وجود دارای آن می‌باشد؛ و چون این طور است، حق این است که وجود حقیقتی واحد و مشککه است؟
مثل نور که با نگاه ساده دارای مراتبی است که مختلف اند و مرتبه ضعیف به نفس نور ضعیف است و مرتبه قوی به نفس نور قوی است و به اصطلاح ما به الامتیاز و ما به الاشتراک یک چیز است و آن نوریت است.

۱. نهاية الحكمة ، ص ۱۹، الفصل الثالث في ان الوجود حقيقة المشككة

مختار کتاب نه‌ایة الحکمة این شد که موجودات بر خلاف قول مشاء متباینات نیستند و مؤلف قائل به تشکیک در وجود شدند و فرمودند در وجود نیز اینچنین مراتبی وجود دارد و همه مراتب در عین حال که شدت و ضعف دارند اما در حقیقت وجود یکی هستند. لذا وحدت دارند در عین کثرت و کثرت دارند در عین آن که وحدت دارند. نه اینکه جهت وحدت و کثرت متفاوت باشد، بلکه از همان جهت که وحدت دارند، کثرت دارند و از همان جهت که کثرت دارند، وحدت دارند و در تمام این مراتب حقیقت وجود سریان و جریان دارد.

اشکالات تشکیک وجود

در مورد تشکیک وجود، اشکالاتی به نظر می‌رسد، غیر از اینکه اساساً اصالت با وجود نیست و به مبنا اشکال داریم که مطرح کردیم و مشخص شد که دلیل ایشان بر اصالت وجود ناتمام است. اما اگر مبنا را قبول کنیم و فرض را بر اصالت وجود هم بگذاریم، باز اشکالات بنایی به مسئله تشکیک وجود وارد است.

۱- لازمه تشکیک در وجود تناقض است، تناقض محال و باطل است، پس تشکیک در وجود باطل است.

لازمه تشکیک در وجود، به گونه‌ای که وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت داشته باشد، تناقض است، زیرا تشکیک در وجود یعنی از وجودِ اضعف‌المراتب که هیولا است و نفس قابلیت است، تا مرتبه‌اعلایی که بی‌نهایت است و ذات حق تعالی می‌باشد و همچنین همه مراتب بین این دو، یک حقیقت باشند.

تصریح می‌شود که اعلی‌المراتب وجود، وجوب وجود دارد و غیر آن، همه ممکن‌الوجود یعنی نیازمند به اعلی‌المراتب اند.

پس مرتبه‌اعلی‌ وجوب وجود دارد و مراتب‌مادون، حقیقتاً نیازمند هستند و ممکن‌الوجود هستند، یعنی حقیقت اعلی‌المراتب بی‌نیازی محض است و حقیقت اضعف‌المراتب و مراتب دیگر نیازمندی محض است و در عین حال یک حقیقت واحد هستند.

یعنی وجود دارای مراتبی است که یک مرتبه‌اش غنی مطلق است و مراتب دیگرش نیاز مطلق است.

فرض غنی مطلق و نیاز مطلق در یک حقیقت واحد، تناقض مسلم است، تناقض محال و باطل است، پس تشکیک در وجود باطل است.

مرحوم خوبی (ره) نیز به همین تناقض توجه داده‌اند که یک حقیقت نمی‌تواند هم غنی مطلق باشد و وجوب وجود داشته باشد و هم نیاز مطلق باشد و ممکن الوجود باشد.

۲- لازمه تشکیک در وجود، محدودیت خداوند است، محدود بودن خداوند باطل است، پس تشکیک در وجود باطل است.

اگر در وجود تشکیک باشد، ذات مقدس حق تعالی حد می‌خورد، و محدود شدن ذات حق تعالی بدیهی البطلان است. پس تشکیک در وجود بدیهی البطلان است.
بیان ملازمه:

ذات مقدس لا یتناهی حضرت حق با مراتب وجودات یکی است و وجودات حقیقتاً متکثراند، ذات حضرت حق محدود می‌شود به غیر این مراتب، یعنی این مراتب ذات مقدس حضرت حق نیستند، البته با قبول سنخیت و با وجود سنخیت که قبول هم دارند و اصرار به سنخیت هم دارند. در نتیجه ذات حضرت حق محدود می‌شود به این صورت که این مراتب غیر او می‌باشند و وقتی محدود شد، نیازمند می‌شود و نیازمند، نمی‌تواند واجب الوجود باشد.

اگر جواب بدهند که درست است که واجب الوجود غیر این مراتب است، ولی به اشد وجه واجد این مراتب است؛ و چون این چنین است در نتیجه محدود نمی‌شود.

جواب می‌دهیم که درست است که واجد این مراتب مفتقر و ضعیف است ولی در عین حال این مراتب نیست و غیر از این مراتب است، لذا حد می‌خورد. یعنی درست است که واجد مراتب دیگر است ولی چون حقیقتاً غیریت دارد، نتیجتاً حد می‌خورد و محدود می‌شود و محدود نمی‌تواند واجب الوجود باشد.

۳- چون وجود دارای تشکیک است هرگز به درجه لا یتناهی و حق تعالی نمی‌رسد.

بعضی می‌گویند مرحوم ملاصدرا نیز چون به این اشکالات توجه داشته‌اند، در آخر از تشکیک دست برداشته و به وحدت اطلاق قائل می‌شوند.

وجود دارای تشکیک است و هرگز به حضرت حق نمی‌رسد. چون هرچه مرتبه شدیدتر فرض کنیم باز فوق آن شدیدتر وجود دارد و به مرتبه لایتنهی نمی‌رسد. یعنی هر مرتبه‌ای که فرض کنیم توقف ندارد و به مرتبه لایتنهی نمی‌رسد و هرچه جلو برویم مرتبه شدیدتری وجود دارد. بنابراین، به ذات حضرت حق نمی‌رسد و اعلی درجه را شامل نمی‌شود. این اشکال را مرحوم آقای بهبهانی نیز مطرح کرده‌اند.

خلاصه :

در مورد تشکیک وجود، اشکالاتی به نظر می‌رسد، غیر از اینکه اساساً اصالت با وجود نیست و به مبنا اشکال داریم. اما اگر فرض را بر اصالت وجود هم بگذاریم، باز اشکالات بنایی به مسئله تشکیک در وجود وارد است.

- ۱- لازمه تشکیک در وجود تناقض است، تناقض محال و باطل است، پس تشکیک در وجود باطل است، زیرا فرض غنی مطلق و نیاز مطلق در یک حقیقت واحد، تناقض مسلم است، تناقض محال و باطل است، پس تشکیک در وجود باطل است.
- ۲- لازمه تشکیک در وجود، محدودیت خداوند است، محدود بودن خدا باطل است، پس تشکیک در وجود باطل است. در نتیجه ذات حضرت حق محدود می‌شود به این صورت که این مراتب غیر او می‌باشند و وقتی محدود شد، نیازمند می‌شود و نیازمند، نمی‌تواند واجب الوجود باشد.

- ۳- چون وجود دارای تشکیک است هرگز به درجه لایتناهی و حق تعالی نمی‌رسد. وجود دارای تشکیک است و هرگز به حضرت حق نمی‌رسد. چون هرچه مرتبه شدیدتر فرض کنیم باز فوق آن شدیدتر وجود دارد و به مرتبه لایتناهی نمی‌رسد.

👈 کارگروه تهیه و تدوین مدرسه علوم دینی

حضرت ولی عصر (عج)